

### گزارش جلسه کرسی حجت الاسلام علی اقدامی تطفی:

چهارمین نشست از سلسله جلسات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره دانشگاه گیلان در سال ۱۴۰۱ با موضوع تبیین و تحلیل اقوال پیرامون بهتان اهل بدعت روز دوشنبه، چهارم مهرماه راس ساعت ۱۲:۳۰ در اتاق شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار شد و جناب **حجت الاسلام علی اقدامی تطفی**، عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، به عنوان صاحب کرسی به آرایه مطالب خود پرداختند.

ایشان ضمن طرح سوال اصلی خود که آیا تهمت اهل بدعت با توجه به روایت صحیحه داود بن صرحان جایز و یا وظیفه است به ذکر آرای مختلف در منابع علما فقه شیعی در این خصوص پرداختند و واژه باهتوهم را به لحاظ لغوی مورد بحث قرار دادند. به عنوان مثال برخی از همچون فراهیدی در العین و ابن فارس در مقاییس و زبیدی در تاج العروس مباحته از اصل و ریشه بهت و بهتان یعنی به تشویش انداختن و ایجاد تحیر و اضطراب در طرف مقابل معنا نموده‌اند. سیدعلی خان پس از ذکر معنای تحیر برای واژه مباحته اشاره می‌کند که در تهمت و افترا نیز شخص مورد اتهام پس از شنیدن آن دچار نوعی شگفتی و حیرت می‌شود.

در این راستا ایشان به طرح این مساله از گذشته میان فقها و عالمان دین اشاره داشتند که و به مناسبت‌هایی در کتب و آثار فقهی و غیرفقهی به چشم خورد. برخی از فقها مانند مرحوم سبزواری در کفایه و صاحب حدایق در مبحث مستثنیات غیبت جواز غیبت اهل بدعت را مطرح نموده‌اند. بعضی از اعلام و فقها مانند شهید ثانی و صاحب ریاض و مقدس اردبیلی و علامه مجلسی و ملا صالح مازندرانی و مرحوم فیض کاشانی و علامه شعرانی و آیت الله مکارم شیرازی و شهید مطهری و مرحوم آیت الله صانعی و مرحوم آیت الله مومن بهتان را جایز ندانسته و با تعابیری متفاوت مباحته را به معنای احتجاج قاطع با اهل بدعت و اسکات و قطع لسان با استدلال‌های متین و محکم معنا نموده‌اند چنانکه عده‌ای مانند صاحب جواهر به جای «باهتو» لفظ «اهینو» را اصل قرار داده التزام به این دستور را لازم و ترک آن را از مصادیق ترک نهی از منکر و موجب تعزیر دانسته‌اند گرچه حکم را به امور واقعی محدود نموده است و شیخ اعظم انصاری ابتدا توجه اتهام به نحو احتمال و سپس احتمال ابقاء صحیحه بر معنای ظاهری را به جهت رعایت مصلحت اهم ترجیح داده‌اند. آیت الله خوئی با لحاظ مصلحت اهم اصل حکم را پذیرفته‌اند گرچه آن را محدود به عدم وقوع فتنه و مفسده نموده است. مرحوم آیت الله گلپایگانی با صراحت تمام هتک حرمت حتی با امور واقعی را بر اساس صحیحه جایز شمرده‌اند چنانکه مرحوم سبزواری در مهذب الاحکام و مرحوم تبریزی در *ارشاد الطالب* قابل به همین نظر شده‌اند.

پس از ذکر این مقدمات حجت الاسلام علی اقدامی تطفی عنوان نمودند که با وجود دلیل معتبر و صحیحه داود بن صرحان اصل ورود حکم به مباحته مسلم و مطابق آرا بیشتر فقها (البته با برداشتهای گوناگون) بوده و خلافتی در آن وجود ندارد و آنچه مورد اختلاف واقع شده معنای مباحته می‌باشد که آیا به معنای اسکات اهل بدعت و مواجهه قاطع از طریق محاجه و استدلال متین و محکم است یا به معنای توجه اتهام و ایجاد تنفر و مایوس ساختن مردم از آنان از طریق تهمت؟

مغایرت با اصل محکم اخلاقی اجتناب از تهمت و افترا با تأکیدات شدید مانع جدی در حمل معنای مباحته به توجه تهمت و افترا به اهل بدعت می‌باشد که به تعبیر برخی با نگاه جامع به آموزه‌های دینی و احکام و بیانات اولیا دین ناسازگار است. با وجود روایت صحیحه همراه قراین و شواهد در متن روایت، اهمال و رفع ید از آن مشکل و با قاعده جمع بین ادله ناسازگار به نظر می‌رسد و اقتضای جمع بین این روایت و روایات ناهیه از اتهام مخصص بودن صحیحه است منتهی با عنایت به تعلیل وارد شده در ذیل روایت و اهمیت افترا به خدای متعال و دین حق از یک طرف و عمل مناسب با رفتار ناپسند بدعت‌گذار از سوی دیگر، عمل به ظاهر روایت به گونه‌ای صورت پذیرد که هم مصلحت اهم تأمین شود و هم محدود به اهل بدعت و در حد تنفیر مردم از خطرات بدعت صورت پذیرد.

پس از استماع دفاعیات صاحب کرسی جناب دکتر حسن شاه ملک پور و حجت الاسلام علی یحیایی به ایراد نقدهای خود پرداختند. در این راستا به چند موضوع عمده اشاره گردید که از این قرار بودند:

آیا اساساً اخلاق را امری تعبدی می‌دانیم یا از اصول عقلایی؟ به عبارتی قبح قبیح عقلی است یا دینی؟ اگر عقلی بدانیم به یک روایت نمی‌توان امر عقلایی را گره زد. دوم اینکه اصل عدالت امری مستدل و عقلی است. آیا با یک روایت خبر واحد می‌توان عدالت را تحت الشعاع قرار داد. سوم اینکه در قرآن، سیره پیامبر و ائمه معصومین و روایات در خصوص نحوه برخورد و سلوک با اهل بدعت مستندات دقیقا عکس این روایت آمده که سبب بطلان اعتبار روایت مزبور با وجود صحیحه بودن آن می‌شود. همچنین جناب حجت الاسلام یحیایی در مورد معنای «باهتوهم» هم مطالبی را ایراد نمودند و ریشه آن را به بهت و حیرت زده کردن طرف مقابل مربوط دانستند نه بهتان بستن. یعنی این استدلال است که سبب بهت و حیرت می‌شود نه سب و ناسزا. در واقع این واژه به معنای تحیر بوده و بعد در طول زمان تحول

معنایی پیدا کرد. همچنین باب باهتوهم که از باب مفاعله است به معنای بهتان زدن دوطرفه است که منطقا جای اشکال است که جواز بهتان زدن دوطرفه با این حدیث صادر شود. همچنین دکتر ابراهیم قاسمی روشن و خانم دکتر فضیلت روحانی هم در جلسه به ذکر نکاتی پرداختند. در پایان و پس از استماع نظرات و پاسخهای حجت الاسلام علی اقدامی تطلقى ا، جلسه با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد(ص) پایان یافت.